

[پیش گفتار 1](#_Toc504236562)

[تعریف علم اصول 2](#_Toc504236563)

[نظر صاحب کفایه 2](#_Toc504236564)

[مطلب اول: لابدیت موضوع برای هر علم 2](#_Toc504236565)

[دلیل اول: غرض واحد موجب وجود موضوع 2](#_Toc504236566)

[عدم صحت اسناد قبول لابدیت موضوع برای هر علم به مرحوم اخوند 3](#_Toc504236567)

**موضوع**: بررسی تعریف مرحوم اخوند /تعریف علم اصول /بحث های مقدماتی علم اصول

# پیش گفتار

قبل از اینکه وارد بحث های مقدماتی علم اصول شویم لازم است که چند نکته ای بیان شود.

1-سعی میکنیم که در مقدمات خیلی غور نکنیم و به مباحث مهم و مبتلا به بپردازیم و به تفصیلات زیادی نپردازیم بلکه کلماتی مختصر و مفید از بعضی از بزرگان را متذکر میشویم.

2-کسانی که تازه به بحث ما پیوسته اند لازم است که با کسانی که قبلا در بحث ما بوده اند و در درس ما سابقه دارند، وارد بحث شوند چون بسیاری از طلبه ها که درس خارج را شروع میکنند بعضا چند سال درس خارج را میخوانند ولی بلد نیستند که چگونه درست خارج را بخوانند در حالی که درس خارج درس تحلیلی است یعنی ابتدا نظر شیخ و اخوند گفته میشود و بعد اشکالاتی که بعضی از بزرگان وارد کرده اند گفته میشود و بعد نظراتی از گوینده گفته میشود و این مهم نیاز به استفاده کردن کسانی که چند سالی در درس خارج شرکت کرده اند، دارد و برای روشن شدن راه در خارج نیاز است.

3- اولین کاری که در درس خارج صورت میگیرد فهم کلام علماء است هرچند باید طلبه روحیه نقادانه داشته باشد ولی در مرحله اول بنا را بر تخطئه خودش بگذارد و اصرار را بر فهم کلام علماء قرار بدهند.

4-متن و سیر بحث ما کلام مرحوم اخوند است. و در کنار کتاب کفایه برای طلبه های مبتدی توصیه میشود که مصباح الاصول را بخوانند چون بیان ساده و راحتی دارد و از طرفی خلاصه نیز هست و نسبت به کتابهای دیگری دارای نظم بهتری است و نحوه ورود و خروج بحث ایشان منظم تر است بعد ارام ارام نظرات دیگری را در کنار انها قرار دهد.

4-بعضی گفتند که مستشکلین درس شلوغ میکنند و این باعث مشوش شدن ذهن دیگران میشود مخصوصا کسانی که مبتدی هستند بلکه اشکال کردن باید انضباط داشته باشد. البته بنده با بحث خشک و بدون اشکال موافق نیستم ولی اشکال یک ضوابط و قواعدی دارد و اشکال باید شکل و شمایل خوبی داشته باشد مثلا از اول تند صحبت نکنند و از اول نگوید که اشکال درست نیست بلکه اگر بگویند واضح نیست بهتر است و علاوه بر این در جلسه عمومی زیاد اشکال کردن درست نیست و همچنین به جا اشکال شود مثلا ما در حال ذکر کردن کلام فلانی هستیم یکی اشکال میکند و میگوید این ادعای فلانی درست نیست. در حالی که ما که هنوز قضاوت نکردیم شاید ما هم همان اشکال را گفتیم. و بر اصرار بر ابراز اشکال در جلسه عمومی موافق نیستم. حال به بیان تعریف علم اصول بپردازیم.

# تعریف علم اصول

## نظر صاحب کفایه

ایشان در اول کتاب کفایه[[1]](#footnote-1) فرموده است که باید هر علمی موضوعی داشته باشد که از عوارض ذاتیه او بحث شود بعد فرموده است که نسبت بین موضوع علم و مسائل ان علم از نوع رابطه کلی و فرد است. مثلا موضوع علم نحو کلمه و کلام است و از مسائل علم نحو همین موضوع کلمه و کلام را انتزاع کرده اند و موضوع همان جامع مسائل مطرح شده است.

### مطلب اول: لابدیت موضوع برای هر علم

اینکه باید هر علمی موضوع داشته باشد که در کلام اخوند نیز این مطلب مفروغ عنه است دلیلش چیست؟

#### دلیل اول: غرض واحد موجب وجود موضوع

چون هر علمی یک غرض دارد و این غرض واحد به حکم قاعده سنخیت" الواحد لا یصدر الا من الواحد" باید از یک جهت واحد کشف موضوع واحد کرد و و از وحدت معلول کشف میشود که یک علت واحد نیز وجود دارد. و ان وحدت علت همان موضوع واحد است. و به مرحوم اخوند نیز نسبت داده اند که مرحوم اخوند نیز قبول دارد که هر علمی موضوع واحد دارد و ذیل کلامش نیز اشاره به این مطلب دارد.

"أن موضوع كل علم و هو الذي يبحث فيه عن عوارضه الذاتية أي بلا بواسطة في العروض هو نفس موضوعات مسائله عينا و ما يتحد معها خارجا و إن كان يغايرها مفهوما تغاير الكلي و مصاديقه و الطبيعي و أفراده" [[2]](#footnote-2) و ادعا شده است که این عبارت دلالت بر ادعای موضوع واحد داشتن هر علمی میکند.

توضیح دلیل اول: اولا: غرض از علمی از علوم مختلف یک چیز است مثلا غرض از علم اصول فقه توانایی بر استنباط است و غرض از علم نحو حفظ لسان از خطا است و هدف از علم منطق مثلا حفظ فکر از خطا است. ثانیا: این فرض واحد از یک سری قضایای به وجود میایند که موضوعا و محمولا با هم متباین هستندثالثا: اگر بخواهد این قضایا با حیث اختلاف و تباین موجب به وجود امدن یک غرض باشند لازم میاید که کثیر بما هو کثیر موجب پیدایش واحد بما هو واحد باشد در حالی که این محال است پس از فرض واحد کشف میکنیم که یک موضوع واحدی وجود دارد که ان موضوع واحد سبب پیدایش این غرض واحد شده است و ان موضوع واحد همان جامعی است که در تمام مسائل و موضوعات ان علم نهفته است.[[3]](#footnote-3)

##### عدم صحت اسناد قبول لابدیت موضوع برای هر علم به مرحوم اخوند

این اسناد در کتاب کفایه عین و اثری ندارد و از کفایه این مطلب استفاده نمیشود و اینکه اخوند قائل به این مطلب باشد که هر علمی باید باید موضوعی داشته باشد شما بررسی کنید که در کتاب کفایه عبارتی که دال به این مطلب باشد وجود دارد یا خیر؟

بله با یک واسطه از مرحوم میلانی شنیدیم که ایشان از حاج شیخ اصفهانی نقل کرده است که مرحوم اخوند باید هر علمی دارای موضوع باشد چون الواحد لا یصدر الا من الواحد. ولی این امر بعید بوده است و اقای میلانی نیز تعجب کرده است از مرحوم اخوند که این قاعده چه ربطی به این مطلب داشته است و از حاج شیخ پرسیده است که این نسبت درست است یا خیر؟

اصلا این قاعده نه موضوعا و نه محمولا به بحث وجود موضوع برای هر علمی ربطی ندارد. ادامه بحث در جلسه اینده.

1. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج، ص7.](http://lib.eshia.ir/27004//7/تعریف) [↑](#footnote-ref-1)
2. همان [↑](#footnote-ref-2)
3. این توضیح از مقرر است و برگفته از کتاب مصباح الاصول مباحث الفاظ ج 1 ص 26 [↑](#footnote-ref-3)